

سهمی از وقف جهت خرید و استکتاب کتب شرعیه در دوره قاجار

امید رضائی

(سازمان اوقاف و امور خیریه)

اسناد موقوفات در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین منابع برای ترسیم اوضاع اجتماعی و فرهنگی این دوره است. در این دوره اکثر اقدار جامعه با گرایش‌های مختلف فکری به وقف‌نامه توجه داشته‌اند. واقفان اغلب شخصاً یا توسط وکیل و در مواردی هم توسط اوصیا موقوفه‌ای را پایه‌گذاری کرده‌اند. طرز فکر و منش هر واقفی ذیل مصارف یا نظام تولیت و نظارت خودنمایی می‌کند. نشر آثار دینی و فکری نیز یکی از این مصارف است. از این دوره هزاران وقف‌نامه بر جای مانده است که هنوز به طور کامل فهرست‌نویسی نشده است. با بررسی فهرست حدود سه هزار وقف‌نامه قاجاری، حدود بیست وقف‌نامه از شهرهای تهران، آذربایجان، اصفهان، زنجان، سمنان، فارس، قزوین و کرمان به دست آمده که نقش وقف را در تکثیر و نشر کتب دینی و فکری در این دوره نشان می‌دهند.

۱. مصرف اصلی

هر واقفی می‌تواند برای موقوفه خود یک یا چند مصرف وضع نماید. چنانکه برخی واقفان دوره قاجار استنساخ و نشر کتاب را به عنوان یگانه مصرف مطلوب تعیین کرده‌اند^۱ و برخی نیز علاوه بر استکتاب و خریداری کتاب مصارف دیگری را نیز در نظر گرفته‌اند. مثلاً در سال ۱۲۴۰ق، محمد زکی خان نوری^۲ از رجال ساکن شیراز بخشی از املاک خویش را فقط برای تعمیر و تکثیر کتابی به نام انوار القلوب وقف نمود:

«یک پنجم بابت حق التولیه و دو پنجم برای تعزیه‌داری و تعمیرات بقعه امامزاده ابراهیم و دو پنجم برای تعمیر و

تکثیر کتاب انوار القلوب و عزاداری در محرم و صفر».^۳

مسئله این شخص فقط آرزومند تکثیر یک کتاب دعا نبوده است بلکه پایگاه اجتماعی او اقتضا می‌کرده تا نسخه‌ای پاکیزه و هنرمندانه تهیه نماید. لذا مخارج کاغذ، حق‌الکتاب و استکتاب، صحافی و تجلید برای او نسبتاً گران تمام می‌شده است. واقف دیگری در کرمان به نام میرزا محمدحسین شریف وزیر در سال ۱۲۵۰ق^۴ نیز احتمالاً، به دلایل مشابه و مضافاً به سبب دشواری کار گردآوری و تدوین کتاب ترجیح داده است فقط کتبی با موضوع «روضه» تهیه و تکثیر شود:

«عایدات را بیست و چهار قسمت نموده که: ... دو سهم برای نوشتن و جمع نمودن کتب روضه و مناقب اهل بیت

اطهار^(ع) داده شود و ... نیم سهم را هر ساله به مصرف هدیه کردن کلام الله مجید برسد که در ماه رمضان بر سبیل وقف

به صلحا از مردم داده شود و ...».^۵

ولی حاج ملا محمدعلی، ساکن تهران، بنا به وصیت پدر، حاج لطفعلی تاجر نوری، در تاریخ نهم شعبان ۱۲۴۴ وقف‌نامه معتبری تنظیم نموده که موضوع آن فراتر از یک کتاب است. وی یک ششم درآمد موقوفه را برای خریداری و استکتاب «کتب شرعیه» اختصاص داده است:

«یک سهم جهت تعزیه‌داری از اطعام و غیره و سهم دیگر جهت سه شب قدر از اطعام و غیره و سهم دیگر جهت

ایتام فقیر از مسلمین اثنی عشریه و سهم دیگر جهت فقرا و مساکین در عید غدیر و سهم دیگر جهت زوار

امیرالمؤمنین (ع) و سیدالشهداء (ع) و امام موسی الکاظم (ع) و علی بن موسی الرضا (ع) و امام محمدتقی (ع) و امام

علی النقی (ع) و امام حسن العسکری (ع) و امام محمد مهدی (ع) و یک سهم دیگر جهت خرید و استکتاب کتب

۱ رک: رضائی، ۸۷-۱۳۸۶. ۲ رضائی، ۱۳۸۲ الف: ۱۸۶. درباره این شخص، رک: حسینی فسائی، ۱۳۷۸: ۱، ۹۷۵-۹۷۸: ۲، ۷۲۶-۷۲۷.

۳ رضائی، ۱۳۸۲ الف: ۱۸۶. ۴ رضائی، ۱۳۸۲ ب: ۲۴۶.

۵ همانجا. گفتنی است وی مزرعه حسین آباد و باغ فرنگ و سه باغ جنب آن را بدین منظور وقف کرده است.

شرعیه و یک عشر بابت حق التولیه».^۶

یک واقف زنجانی به نام حاجی محمدتقی بیات در سال ۱۲۶۷^۷ نیز نیمی از درآمد موقوفه را برای «استنساخ و استکتاب کتب علوم دینی» در نظر گرفته است:

«تا نصف منافع حاصله در ایام محرم هر سال در تعزیه داری حضرت سیدالشهداء (ع) خرج شود و اما نصف دیگر را دو قسمت نمایند: یک قسمت برای والدین واقف استیجار صوم و صلوة شود و قسم دیگر را هر ساله برای استنساخ و استکتاب کتب علوم دینی مصروف دارند».^۸

این موضوع شاید به نوعی حاکی از این باشد که در ایران بعد از اواسط قرن سیزدهم ق هنوز نوشتن (استکتاب) یا نشر کتاب به صورت سنتی کاری مقدس محسوب می شده است و کاتبان و خطاطان نسبتاً زیادی بوده اند که با سفارش گرفتن از دیگران روزگار می گذرانده اند. چنانکه برادران برجیس که در این سالها در ایران زندگی می کرده اند در یکی از مکاتبات خود آورده اند در تهران و تبریز دهها مطبعه دست اندرکار نشر کتاب بوده اند. به طوری که فعالیت آنها سبب شد قیمت کتاب به شدت ارزان شود.^۹ در یکی از همین سالها، ۲۷ ربیع الاول ۱۲۶۹، سید رضی موسوی^{۱۰}، از اهالی زنجان، شیوه «چاپ کتب» را برگزید:

«و عشر منافع بابت حق الوصایه و نظارت نه عشر دیگر، یک ربع تا صد سال استیجار صوم و صلوة نمایند و سپس به فقرا از اولادم داده شود، یک ربع دیگر جهت زیارت قبور ائمه اطهار (ع) صرف نمایند، یک ربع دیگر را به عادل و رشید اولادم ذکورم بدهند که صرف تعزیه داری امام حسین (ع) در حسینیه ای که خودم ساخته ام بشود و یک ربع دیگر جهت چاپ کتب علمیه شرعی نمایند و وقف شود».^{۱۱}

البته اقدام متفاوت سید رضی نسبت به عملکرد معاصرانش به نوعی حاکی از این است که وی با نشر کتاب و هزینه پایین آن آشنا بوده است. بنابراین، سید احتمالاً کتب مورد نظرش را به مطبعه ای در تبریز یا تهران سفارش می داده است. با وجود این، میل به استکتاب تا دهه های بعد نیز در میان مردم وجود داشت. چنانکه منیرالسلطنه^{۱۲}، همسر ناصرالدین شاه و مادر کامران میرزا نایب السلطنه^{۱۳}، در ۱۴ صفر ۱۳۱۱ بخش کوچکی از درآمد موقوفاتش را به حق الکتابه^{۱۴} تخصیص داد:

«و مبلغ چهار تومان به مصارف روغن چراغ حجرات و حیاط مدرسه و مسجد و حیاط مبال و دالان مدرسه و مبال باید برسد و در هر ماهی ده تومان از جهت حق مدرس و پنج تومان از جهت امام جماعت مسجد مدرسه و ده تومان حق کتابدار و پنج تومان از جهت تعمیر کتابها یا حق الکتابه که کتاب بخزند یا بنویسند و ...».^{۱۵}

ولی مشخص نیست که منیرالسلطنه واژه «حق الکتابه» را به سبب ذوق هنری یا الگو قرار دادن یک وقف نامه قدیمی در وقف نامه خود آورده است!

حال این پرسش مطرح است که منظور واقفان از عنوان کلی «کتب علمیه شرعی» چه بوده است؟ اگر مفاد اسناد هر دوره را مفسر ابهامات اسناد همان دوره بدانیم می توان با استناد به وقف نامه ای از قزوین متعلق به حاج حسنعلی تاجر قزوینی معروف به یخچالیان، به تاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۲۵۱، پاسخ را به دست آورد:

«منافع را به شش سهم قسمت نمایند: یک سهم جهت حق التولیه متولی می باشد. یک سهم جهت تعزیه داری جناب سیدالشهداء (ع) در خانه یا مسجد یا در کاروانسرای مزبور روضه خوانی نمایند. یک سهم به فقراء و سادات

^۶ رضائی، ۱۳۸۶: ۳۷۱-۳۷۲. وی یک باب و دو دکه دکان سمساری جنب سرای آرامنه و نیم باب دکان صرافانی واقعه در سر چهارسو و یک باب دکان عطاری جنب ملک وقفی مسجد جمعه و مدرسه و نیم باب دکان خبازی جنب زمین مخروبه وقف مسجد جمعه و نیم باب دکان ریخته گری و نیم باب دکان سکاکی جنب ملک وقفی مسجد جمعه و چهار دانگ و نیم دکان علاقه بندی واقع در بازار علاقه بندان و دکان ارسی دوزی و چهار دانگ مشاع از دکان خبازی قریب به سرای کوچه غریبان را وقف کرده است.

^۷ حاجی عباسی، ۱۳۸۶: ۱۳۰. وی طی این سند بیست و دو شعیر و یک چارک املاک از جمله شش دانگ قریه باغلوچه زنجان و هشت شعیر املاک از مزرعه دیزجران را وقف کرده است.^۸ همانجا.

^۹ رک: برجیس، ۱۳۸۴: ۱۲۰-۱۲۱. (به نقل از: افشار، ۸۷-۱۳۸۶: ۴۷۱).

^{۱۰} حاجی عباسی، ۱۳۸۶: ۸۶. وی طی این سند تمامی املاک واقع در قریه قزلجه خمسه را وقف کرده است.

^{۱۱} همانجا. ^{۱۲} رضائی، ۱۳۸۶: ۴۲۳. ^{۱۳} رک: سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۴.

^{۱۴} درباره مخارج چاپ سنگی یک کتاب مفصل در سال ۱۳۱۳ق، رک: اصیلی، ۸۷-۱۳۸۶. ^{۱۵} رضایی، ۱۳۸۶: ۴۲۳.

هر قدر متولی صلاح بدانند بدهند. یک سهم جهت استیجار صوم و صلوات و ختم کلام الله مصرف نمایند. یک سهم فیما بین ارحام فقراء واقف و خویشان فقیر قسمت نمایند و یک سهم جهت خریداری کتب علوم دینی در فقه و اصول و تفسیر و کلام و اخبار هر نوع که متولی صلاح داند صرف نمایند».^{۱۶}

بنابراین از نظر علمای اصولی، کتب شرعی و دینی منحصر به کتب فقه و اصول، کلام، اخبار و تفسیر بوده است. حال آنکه در نظر حاج محمدکریم خان کرمانی (۱۲۲۵-۱۲۸۸ق)، پیشوای سلسله شیخیه کرمانیه، که با تفکر علما اصولی در تضاد بود، کتب علمیه معنای دیگری داشته است. حاج محمدکریم خان که به خوبی ضرورت نشر آثار فکری پیشوایان و شرح دیدگاه‌های مشایخ خود را می‌دانسته است با زیر سؤال بردن مفاد وقف‌نامه چندین ساله پدر، ابراهیم خان قاجار ظهیرالدوله (د ۱۲۴۰ق)^{۱۷}، علمای اصولی وقت را متقاعد ساخت که یکی از ارکان وقف معیوب است. در نهایت حکم بطلان موقوفات ظهیریه صادر شد. ولی حاج محمدکریم خان قبل از آنکه اوضاع کاملاً از اختیارش خارج گردد وراثت را مجاب نمود تا آن اموال را دوباره وقف نمایند. لذا با یک برنامه مشخص، در چند مرحله، سهم هر یک از ورثه را از مزارع واقع در کرمان و رفسنجان، مدرسه ابراهیمیه و دکاکین و حمام احدائی محمدابراهیم خان را وقف نمود. وی یک دهم مصارف را برای خریدن و استکتاب کتب علمیه و هدیه کلام الله اختصاص داده است. اما شواهد حاکی از این است که منظور از «استکتاب کتب علمیه» نه کتاب فقهی و حدیثی مورد نظر علمای اصولی، بلکه دقیقاً آثار و مخطوطات پیشوایان شیخیه از جمله مصنفات خود حاج محمدکریم خان بوده است.^{۱۸}

کیلومترها دورتر از کرمان، سلیمان خان صائین قلعه افشار بن شمخال خان، که ظاهرآبه سلسله شیخیه آذربایجان^{۱۹} تمایل داشته است، بخشی از املاک خود را در اوایل جمادی الاولی ۱۲۶۵ در محضر جمعی از علمای کربلا بر مقبره حاجی سید کاظم رشتی وقف کرد.^{۲۰} مضافاً که در سال ۱۲۷۱ق مدرسه و مسجدی به نام مدرسه کاظمیه در محله چنار، انتهای بازار مسجد جامع احداث نمود. نام این مدرسه از اسم همای سید کاظم اقتباس شده است.^{۲۱} وی همچنین در پنجم شعبان ۱۲۷۵ در وقف‌نامه دیگری که امروز رونوشت آن در دست است، شش دانگ دو قریه کوسه‌پیری^{۲۲} و سبیل^{۲۳} را به انضمام دو مزرعه واقع در صائین قلعه افشار برای چاپ کتب و رسائل و مصنفات سید احمد احسائی و حاج سید کاظم رشتی وقف کرد.^{۲۴} این سند ثابت می‌کند سلیمان خان نیز همانند سید رضی با موضوع «چاپ» آشنا بوده و آن را از نظر اقتصادی باصرفه‌تر از استکتاب می‌دانسته است. با توجه به وفور چاپخانه در تبریز و تجمع جمعی از شیخیه در آن شهر منطقی به نظر می‌رسد که آثار مورد نیاز را به مطبعه چیان آن شهر سفارش می‌داده است.

البته در میان متصوفه دوره پهلوی نیز چنین عملکردی مشهود است. یکی از این افراد سید ابوطالب نعیمی حسینی^{۲۵} است که در ۱۹ دی ماه ۱۳۳۴ بخشی از درآمد موقوفه خود واقع در جهرم را برای نشر کتب ذهبیه^{۲۶} و سایر عرفا اختصاص داده است:

۱۶ جعفریور و حاجی عباسی و رضائی، ۱۳۸۷: ۱۰۰. ۱۷ رک: سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۶. ۱۸ Rezai, O. et D. Hermann, 2007.

۱۹ با توجه به اینکه در خصوص موقوفه او دعوایی رخ می‌دهد که موضوع را حاجی آقا میرزا موسی ثقه الاسلام (د ۱۳۱۹ق)، فرزند میرزا شفیع تبریزی از سران شیخیه تبریز رسیدگی کرده است، لذا به نظر می‌رسد سلیمان خان به خاندان ثقه الاسلام آذربایجان تعلق خاطر داشته است. (رک: زیرنویس ۲۴)

۲۰ پرونده ۶۸۳ آذربایجان غربی در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه.

۲۱ تولیت این مدرسه به ملا علی مرندی واگذار شده است. به مرور زمان و در اثر بی سرپرستی مسجد متروک گردیده و حوادث طبیعی عمارت کاظمیه را به ویرانی کشانده است به طوری که اکنون جز ویرانه‌ای از آن مدرسه و مسجد با عظمت یکصد و بیست سال پیش چیزی بر جای نیست. (به نقل از: <http://www.tebyan-tabriz.ir/farsi/map/ostan-1.htm>)

۲۲ از توابع میاندوآب در ارتفاع ۱۸۲۰ متر از سطح دریا و در ۴۷ درجه و یک دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیایی (رک: پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۳۲). در سند «کوسه‌پری» هم نوشته شده است. اما امروز در محل کوسه‌پیری تلفظ می‌شود. این روستا حدوداً در ۱۵ کیلومتری شهر تکاب در منطقه آذربایجان غربی قرار دارد.

۲۳ از توابع میاندوآب که در ارتفاع ۱۹۲۰ متر از سطح دریا و در ۴۷ درجه و ۱۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۱۸ دقیقه عرض جغرافیایی (رک: پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۳۲). در سند «سلسبیل» نوشته شده، اما در محل سبیل تلفظ می‌شود. این روستا حدوداً در ۱۰ کیلومتری شهر تکاب در منطقه آذربایجان غربی قرار دارد.

۲۴ این اقدام تا چندین سال مشکلاتی را برای موقوفه، متولی و موقوف علیهم به وجود آورد. چراکه واقف در نظام تولیت و مصارفی که پیش از این وضع نموده بود تغییراتی اعمال نموده بود. لذا در نهایت حاجی آقا میرزا موسی ثقه الاسلام در هفتم صفر ۱۳۱۵ حکم نمود اسناد قبلی همچنان معتبر و فقط آن بخش از سند صفر ۱۲۷۷ قابل است که مشتمل بر رقبات جدید و مصارف معین برای آنها است، مابقی باید مطابق اسناد سابق عمل شود.

۲۵ رضائی، ۱۳۸۲ الف: ۴۹. ۲۶ درباره این سلسله، رک: سیدین، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۶۴.

«یک ربع تعزیه‌داری اباعبدالله (ع) و دو ربع برای مناقب حضرت محمد (ص) در خانقاه احمدی ذهبیه در ماه‌های محرم و صفر و رمضان خاصه مولود رسول اکرم (ص) و عید غدیر هم چنین برای نشر کتب ذهبیه و سایر عرفا حقه و تأسیس کتابخانه و اعانت به فقرا سلسله ذهبیه احمدیه».^{۲۷}

گفتنی است اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گاه تحقق نیت واقفان (مصارف) را به چالش می‌کشیده است. به همین دلیل برخی واقفان مابه‌ازاء هر محل و مصرفی را تعیین نموده‌اند. به عنوان نمونه امین‌الدوله عبدالله خان^{۲۸} که در ۱۶ محرم ۱۲۲۴ به عنوان وکیل پدر، محمدحسین خان صدر اصفهانی^{۲۹}، املاکی را وقف نمود، پیش‌بینی کرده است چنانچه اوضاع به گونه‌ای شد که تحقق مصارف در مشهد، کربلا و کاظمین مقدور نگشت در همان اصفهان مراسم را برگزار نمایند:

«... و صد تومان صرف افطار فضلاء و طلاب علوم دینی و سادات و فقرا و زوار در ارض اقدس در ماه رمضان حتی الامکان و در صورت عدم امکان در دارالسلطنه اصفهان به مصرف مزبور رسانند و پنجاه تومان به جهت افطار جماعت مفصله در کربلا و در صورت عدم امکان در دارالسلطنه اصفهان به مصرف مزبور رسانند و چهل تومان به جهت افطار در کاظمین و در صورت عدم امکان در دارالسلطنه اصفهان به مصرف مزبور رسانند و...».^{۳۰}

در مورد خریداری کتب با سرمایه وقف نیز همین نگرانی وجود داشته است. چنانکه سید احمد طباطبائی بنا به وصیت حاج ملا علی اکبر دامغانی پیش‌بینی کرده است در صورتی که خریداری کتاب امکان‌پذیر نباشد مبلغ مورد نظر را برای افطاری یا تغذیه جسمی طلابی صرف نمایند که قرار بوده به آنها کتب داده شود:

«پس از عشر حق التولیه متولی بقیه صرف خرید کتب علوم دینی و وقف آنها برای طلاب علوم دینی سمنان شود و در صورت عدم امکان خرید کتب در ماه رمضان صرف افطار طلاب مذکور شود».^{۳۱}

از بهرام بیگ گرجی وقف‌نامه‌ای به تاریخ صیام ۱۲۶۶ موجود است^{۳۲} که از دو حیث اهمیت دارد: نخست اینکه او یک گرجی بود که لاجرم تا آخر عمر غلام باقی می‌ماند، به طوری که پس از مرگ اموال آنها توسط شاه تصرف می‌شد.^{۳۳} دوم اینکه در این سند شرط شده است: درآمد دو مزرعه موران و طهرانچی از توابع قهاب اصفهان^{۳۴} فقط به مدت شصت سال برای استنساخ و خریداری کتب صرف شود:

«از تاریخ تحریر تا شصت سال تمام بر استنساخ کتب و خریداری آن در دادن به اشخاص لایق و بعد از انقضاء شصت سال بر اولاد و اولاد اولاد خودم بالمساوات».

گفتنی است برخی از افراد همانند حاج اسماعیل طهرانی مهرجردی که در تاریخ ۲۲ ربیع‌الاولی ۱۲۲۸ می‌زیست^{۳۵}، خریداری و وقف کتاب را ذیل «وجوه مبرات و خیرات» آورده‌اند:

«بعد از وضع یک عشر او به جهت حق تولیت در وجوه مبرات و خیرات صرف شود از اعانت فقرا و مساکین و ایتم و عجزه و استیجار زیارت ائمه طاهرین (ع) و مباحیه و استکتاب کتب مصنفه در علوم دینی و وقف نمودن آنها و اعانت طلاب علوم شرعی و مدرسین معارف دینی و غیره».^{۳۶}

چنین برداشتی چند دهه بعد در وقف‌نامه انیس‌الدوله به تاریخ اول رجب ۱۳۱۱^{۳۷} هم مشهود است:

۲۷ رضائی، ۱۳۸۲ الف: ۴۹.

۲۸ رک: سلیمانی، ۱۳۷۹: ۴۳.

۲۹ رک: همانجا.

۳۰ پرونده ۱۰۴ در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان و نسخه‌ای از همان سند در پرونده ۲۱۴ اصفهان در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه.

۳۱ پرونده ۱۲۱۴ سمنان در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه.

۳۲ پرونده ۵۷۷ در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان و نسخه‌ای دیگر از همان سند در پرونده ۱۵۹ اصفهان در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه.

۳۳ پولاک در سفرنامه خود درباره «گرجیان» نوشته است: در دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه بسیاری از خواجهگان به بالاترین مقامها و مراتب دیوانی رسیدند. اینها گرجیانی بودند که آغا محمدخان قاجار، در شبیخون‌ها و دستبردهای خود به غنیمت گرفته بود (رک: پولاک، ۱۳۶۸: ۱۸۰). درباره یکی از این

گرجیان و سرانجام موقوفاتش، رک: Kondo, 2005.

۳۵ رضائی، ۱۳۸۶: ۵۶. وی املاک معینی شامل پنج سهم و نیم از یک دانگ مشاع در شش دانگ سرای نو معروف به کاروانسرای قزوینی‌ها واقع در قرب

کوچه غریبان به‌انضمام هفت سهم مشاع از شش دانگ یک باب دکان بقالی را در تهران وقف نموده است.

۳۶ همانجا. وی دو دانگ مشاع از شش دانگ حمام جدیدالبناء مشهور به حمام حاجی محسن و تنمه در راستای بازار قرب چهارسوق کوچک واقع

۳۷ رضائی، ۱۳۸۶: ۶۶.

در سمت شمالی امامزاده زید را وقف کرده است.

«... و یک سهم باقی را در مطلق خیرات و مبرات از قبیل عروسی عزاب از سادات و علویات و غیرهم و تجهیز و تکفین فقرای از اموات و یا ابتیاع طبع نمودن کتب علمیه از برای محتاجین از اهل علم و امثال اینها». ولی واقف دیگری به نام حاج سید ابراهیم در ۱۶ شعبان ۱۱۳۰۴^{۳۸} مفهوم گسترده «خیرات و مبرات» را به خریداری کتب منحصر نموده است:

«پس از وضع دو عشر حق التولیه، سالی ده تومان رواج ریال سفید چرخ میثقالی ناصری به حلیمه خاتون و سکینه خانم بالمناصفه و بعد از آنها به اولادشان نسلماً بعد نسل ذکوراً و اناثاً و مابقی جهت خیرات و مبرات که همه ساله کتب علمیه ابتیاع نموده بر اهل علم و طلاب وقف نمایند و تولیت کتب نیز با متولی اعیان موقوفه است که هر سه ماه موقوف علیهم اذن جدید از متولی وقف بگیرند».^{۳۹}

به هر حال چون اصطلاح مذکور یکی از رایج‌ترین اصطلاحات در وقف‌نامه‌های این دوره است، لذا حتی در ولایات و ایالت‌هایی از قبیل گیلان و کرمانشاه که ظاهراً وقفی برای نشر و چاپ وجود ندارد احتمال دارد که در وقت لزوم، متولیان و علما، مجاز بوده‌اند تا از درآمد آن دسته از موقوفاتی که برای خیرات و مبرات بود در امور چاپ و نشر هزینه نمایند.

۲. مازاد مصارف

سوی موقوفات مذکور که در آنها کتاب مصرف اصلی یا یکی از مصارف اصلی بود، موقوفاتی هم وجود دارد که نشر و امور مربوط به کتاب در آنها فرع مصارف اصلی است. بدین معنی که فقط مازاد مصارف را به امر کتاب اختصاص داده‌اند. چنانکه نبات خانم، همسر میرزا محمدشفیع صدراعظم فتحعلی شاه، در ذیقعه ۱۲۲۸^{۴۰} پیش‌بینی کرده است که از مازاد مخارج برای مدرسه صدریه تهران^{۴۱} کتاب خریداری نمایند. از آنجا که مدرسه کتب متنوعی لازم دارد، لذا وی تأکید داشته که متولی زیر نظر علما و ناظر کتاب‌هایی با موضوع «علوم ادبیه و اصول و فروع دینیه» خریداری نماید:

«بعد از وضع حق التولیه که یک عشر است و حق النظاره که نیم عشر است تعمیر مدرسه و مستقلات مدرسه موقوفه مقدم بر سایر مخارج است و بعد از تعمیر باید آنچه به مصرف سوخت و روشنایی مسجد واقعه در مدرسه و حجرات می‌رسد ماه به ماه داده شود و بعد به طلاب و مواجب دو نفر خادم آنچه زیاد بماند باید متولی با ناظر به صلاح علما کتب تفاسیر و احادیث و علوم ادبیه و سایر کتبی که در اصول و فروع دین تصنیف شده باشد ابتیاع و وقف نماید و از مدرسه بیرون نبرند».^{۴۲}

چند دهه بعد، در ۲۶ صفر ۱۳۱۰، یکی دیگر از اهالی تهران به نام حاج ابوطالب خان یاور قورخانه^{۴۳} نیز در اقدامی مشابه مازاد مخارج را برای خریداری قرآن مجید و کتب علمیه اختصاص داد:

«بعد از وضع مخارج منافع را دو قسمت متساوی نمایند: یک قسمت آن را در همان خانه الی ده روز صرف عزاداری نمایند و چنانچه بعد از مصارف ده روز چیزی باقی بماند متولی آن اضافه قرآن و کتب علمیه خریده وقف نمایند و به زوار قبور ائمه انام هم رعایت و دستگیری نماید و یک قسمت دیگر را پنج سهم نمایند: دو سهم حق دو نفر متولی و یک سهم حق ناظر».

پس در دوره قاجار موقوفات در نشر کتب فلسفی، ریاضی و نجوم و احتمالاً طب سهم قابل ملاحظه‌ای نداشته است. با وجود این، شیخیه کرمانیه، به عنوان مخالف جدی تفکر اصولی، با بهره‌مندی از سرمایه‌های وقفی، ظاهراً بدون مشکل و دغدغه‌ای به نشر کتب و آثار فکری خویش مبادرت می‌نموده است.

۳۸ همان: ۲۱-۲۲. ۳۹ همانجا. ۴۰ همان: ۴۳۷.

۴۱ درباره این مدرسه، رک: ملازاده، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۹. همچنین درباره فهرست کتب این مدرسه، رک: حکیم، ۱۳۸۶.

۴۲ ملازاده، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۹. گفتنی است وی اعیانی دو سکو جنبین مدرسه واقع در راسته بازار جدید سلطانی و جملگی سه باب دکان دوات‌گری، زرگری و خیاطی متصله به یکدیگر سمت بالای مدرسه و دو باب دکان قصابی و کفاشی متصله به یکدیگر سمت قبلی مدرسه را بدین منظور وقف کرده است.

۴۳ رضائی، ۱۳۸۶: ۳۶.

کتابنامه

- اصللی، سوسن (۸۷ – ۱۳۸۶). «صورت مخارج کتاب ناسخ التواریخ برای چاپ سنگی». نامه بهارستان، س ۸ و ۹، دفتر ۱۳ – ۱۴: ۵۰۳ – ۵۰۶.
- افشار، ایرج (۸۷ – ۱۳۸۶). «نسخه بازار». نامه بهارستان، س ۸ و ۹، دفتر ۱۳ – ۱۴، ۴۶۷ – ۴۷۶.
- برجیس، ادوارد و چارلز (۱۳۸۴). نامه‌هایی از ایران. ترجمه معصومه جمشیدی و حسین اصغرنژاد. تهران: نشر و پژوهش فرزنان روز.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۷). فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان. ترجمه کیکائوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن (۱۳۸۷). تاریخ اصفهان. اصفهان: مشعل.
- جعفرپور، محمدجواد و سعید حاجی عباسی و امید رضائی (۱۳۷۸). فهرست اسناد موقوفات ایران. دفتر ششم. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- حاجی عباسی، سعید (۱۳۸۶). فهرست اسناد موقوفات ایران. دفتر سوم. تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
- حسینی فسائی، میرزا حسن (۱۳۷۸). فارسنامه ناصری. به کوشش منصور رستگار فسائی. ۲ ج. تهران: امیرکبیر.
- حکیم، سید محمدحسین (۱۳۸۶). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- رضائی، امید (۱۳۸۲ الف). فهرست اسناد موقوفات ایران. دفتر اول. تهران: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- (۱۳۸۲ ب). فهرست اسناد موقوفات ایران. دفتر دوم. تهران: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- (۱۳۸۶). فهرست اسناد موقوفات ایران. دفتر چهارم. تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
- (۸۷ – ۱۳۸۶). «وقیة نواب شیرازی برای هزینه چاپ و نشر». نامه بهارستان، س ۸ و ۹، دفتر ۱۳ – ۱۴: ۵۰۷ – ۵۱۱.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). القاب رجال دوره قاجاریه. تهران: نشر نی.
- سیدین، علی (۱۳۸۷). پشمینه‌پوشان فرهنگ سلسله‌های صوفیه. تهران: نشر نی.
- ملازاده، کاظم (۱۳۸۱). مدارس و بناهای مذهبی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- KONDO, Nobuaki (2005): "The Vaqf and Religious Patronage of Manuchihr Khan Mu'tamad al-Dawlah". in: *Religion and Society in Qajar Iran*. Ed. by Robert Gleave. London: Routledge Curzon: 227-244.
- REZAI, Omid et Denis HERMANN (2007). "Le rôle du vaqf dans la formation de la communauté shaikho kermāno à l'époque Qājār (1259-1324/1843-1906)", *St Ir* 36/1: 87-131.
- <http://www.tebyan-tabriz.ir/farsi/map/ostan-1.htm>

Endowments for Copying, Publication, and Purchase of Religious Books During the Qājār Period

Omid REZAI

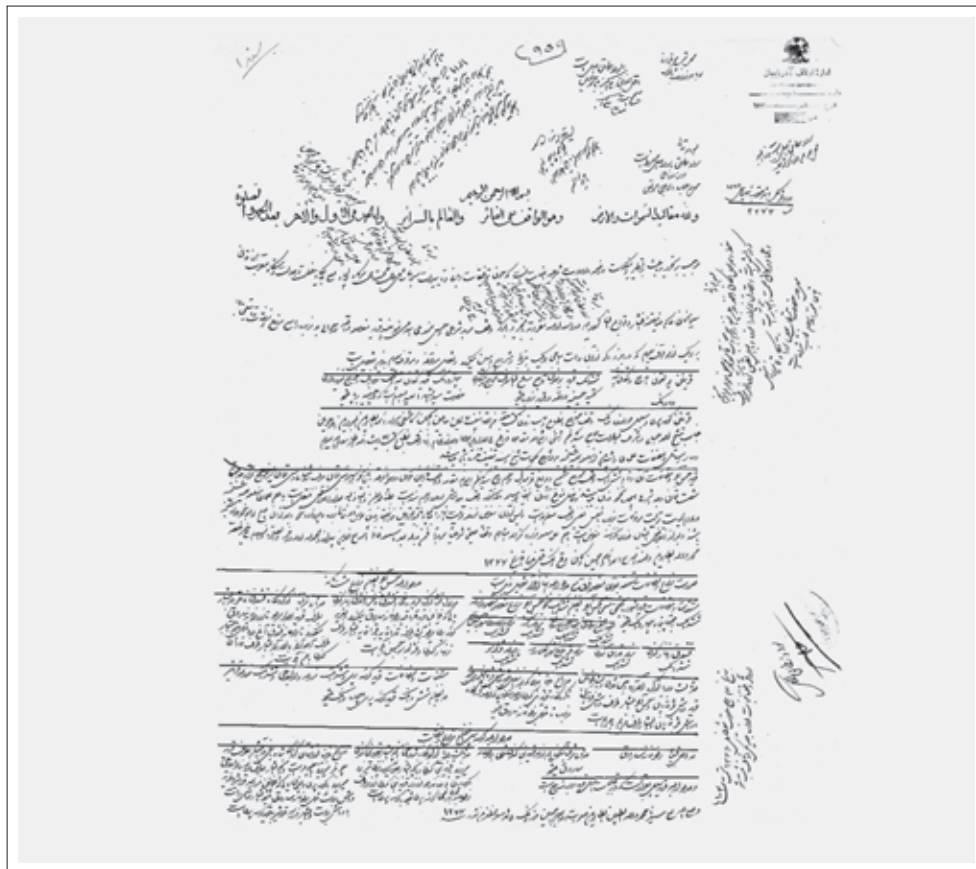
(Waqf and Charity Organization)

Approximately three thousand endowment documents have survived from the Qājār period. Of these, about twenty, which were prepared in Tehran, Āzarbāyjān, Esfahān, Zanjān, Semnān, Fārs, and Kermān show the important role of endowments (waqf) in perpetuation of religious and devotional texts.

Aside from endowments that directly addressed books or book production, we have a number of endowments in which publication activities were dealt with indirectly. Usually, these types of endowments assign the surplus income of the fund to books or book production.

The existing documents show that the lion's share of these endowments were reserved for procuring religious texts such as those which dealt with Islamic law, doctrine, religious philosophy, traditions, and Koranic commentaries; and that very little was assigned to philosophical, mathematical, astronomical, or even medical treatises.

The evidence also demonstrates that the Sheykhī sect of Kermān also relied on endowments for the promotion of their own doctrines through publishing.



وقفنامهٔ سلیمان خان افشار، صفر ۱۲۷۷ (تهران، آرشو سازمان اوقاف و امور خیریه، پروندهٔ شمارهٔ ۲ آذربایجان غربی).

